

# آیا افغانستان عقب‌گرد می‌کند؟

## عباس عبدي

برخلاف خوشحالی اصولگرایان که منتظر پیروزی طالبان هستند و برای آن لحظه‌شماری می‌کنند، گمان نمی‌کنم که این امر به سادگی رخ دهد، ولی در این ماجرا دو نکته مهم وجود دارد که توجه به آن لازم است؛ اولین نکته اینکه اصولگرایان استقلال سیاست خارجی کشور را مخدوش کرده‌اند. به این معنا که به جای حفظ منافع ملی کشور، جهت‌گیری سیاست خارجی را منحصر در تقابل با ایالات متحده قرار داده‌اند، از هر چیزی که گمان می‌کنند علیه آن باشد دفاع می‌کنند و با هر چیزی که به سود آن باشد مخالفت می‌کنند. این سیاست موجب می‌شود که حتی مواضع احتمالا درست اصولگرایان در تقابل با برخی سیاست‌های منطقه‌ای امریکا منطقی تلقی نشود، همین رویکرد است که آنان را به طالبان نزدیک کرده است. بنده نمی‌خواهم بگویم که طالبان را باید نادیده گرفت، چون واقعیتی مهم در افغانستان هستند، ولی طالبان به عنوان یک نیروی ارتجاعی در نهایت علیه مردم افغانستان و ایران عمل خواهد کرد و اگر الان پیشروی کرده است، بیشتر به این علت است که بازیچه همسایه جنوبی خود قرار گرفته است. توجیهاتی از جمله اینکه این طالبان آن طالبان قبلی نیست، بسیار ساده‌لوحانه است. اتفاقا اگر این بار تفوق پیدا کنند، خشونت بیشتری علیه دیگران به کار خواهند برد چون خیالشان از دخالت دوباره غرب آسوده است. به علاوه طالبان به صراحت اعلام کرده که خواهان تشکیل حکومت اسلامی است، حتی همین ایده هم در تقابل با خواست اصولگرایان است، چون چنین حکومتی دشمن اول خود را حکومت ایران تعریف خواهد کرد و از آنجا که شیعیان را کافر می‌دانند، به سادگی ظلم و ستم و قتل‌عام آنان را آغاز خواهند کرد. از همه بدتر اینکه حاکمیت طالبان موجب عقب‌گرد شدید اقتصاد در افغانستان می‌شود و رواج مواد مخدر و همزمان عمق فقر مردم افغانستان بیشتر می‌شود و این عوارض منفی بر اقتصاد ایران خواهد گذاشت.

پذیرفتن طالبان به عنوان یک امر واقع مساله‌ای متفاوت از فرش قرمز پهن کردن برای پیروزی آنان است. طالبان یک عامل فشار عربستان در منطقه خواهد شد و اتفاقا از این طریق می‌تواند همچون گذشته به عامل فشار امریکا علیه ایران تبدیل شود. اگر طالبان مانع شکل‌گیری و حضور گروه‌هایی مثل داعش و القاعده شود، با ایالات متحده مساله

خاصي نخواهد داشت، جز اينکه مي‌تواند به عامل فشار آنان به کشورهای منطقه تبديل شود. اگر تغييری در طالبان دیده شود از این جهت است و نه از جهت عدم خشونت یا رافت نسبت به هزاره‌ای‌ها و دیگر مردم افغانستان. نکته بعدی خطاب به موافقان دخالت نظامی ایالات متحده در کشورهای منطقه برای به ارمغان آوردن دموکراسی است. آنان که آلمان و ژاپن را نمونه‌های موفق این روش می‌دانند، کمتر توجه می‌کنند که شرط لازم برای تحقق این هدف، وجود حداقلی از توسعه اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی داخل يك کشور است و دخالت نظامی شرط کافی نیست. آلمان پیشرفته‌ترین کشور اروپایی بود، دخالت نظامی فقط مانع دموکراسی یعنی حکومت هیتلر را برداشت. در مقابل و در قرن 21 آمریکا به علاوه متحدین جهانی آن در افغانستان زمین‌گیر شدند و اکنون در اوج ناامیدی آنجا را ترک کردند و رفتند و طالبان طی ۱۹ سال مقاومت کرد و باقی ماند. چرا؟ به این علت که نگاه طالبانی زمینه اجتماعی و فرهنگی دارد و با قدرت خارجی نمی‌توان آن را حذف و نابود کرد. مسائل منطقه به نسبت پیچیده است و نمی‌توان برای حل آنها، از الگوهای موفق در دیگر کشورها تقلید کرد. در این باره باید بیشتر نوشت.

منبع: روزنامه اعتماد 7 تیر 1400 خورشیدی